

شرق روزنامه

نگاه

چگونه می‌توان کشوری جدید تشکیل داد ازکردستان تاکاتالونیا

ترجمه: شاهرخ مصلحی

«رُحِب طِيبِ اردوغان»، رئیس جمهوری ترکیه، می‌گوید کردهای عراق درواقع نمی‌دانستند چگونه می‌توان حکومتی مستقل تشکیل داد. این سخن رئیس‌جمهور ترکیه، این پرسش را مطرح می‌کند که «برای تأسیس کشوری جدید که به لحاظ بین‌المللی به‌رسمیت شناخته شود، چه گام‌هایی باید برداشت؟» فرض کنیم که شما همه‌پرسی برای استقلال برگزار کرده‌اید؛ شهروندان هم به آن آری گفتند و اکنون قصد دارید برای جدایی از «کشور مادر» اعلام آگادگی کنید. اما بعد از آن چه؟ کاتالونای اسپانیا و کردستان عراق که هر دو در تلاشی بحث‌برانگیز اما بسیار متفاوت به دنبال کسب استقلال بودند، به‌زودی با این سناریو مواجه می‌شوند. حال باید دید برای به رسمیت شناخته‌شدن کشوری در سطح بین‌المللی، چه گام‌هایی باید برداشته باشد. به این معنا که بتوان دربارهٔ موضوعات یک سازمان سیاسی است- این شرایط را حکمرانی بر سرزمینی مشخص یا دارای حاکمیت توصیف کرده و می‌گوید این کشورها باید قوه‌مجریه، بخش‌های دیوان‌سالاری، دادگاه‌ها و دیگر مؤسسات را داشته باشند.

گام نخست: اعلام قصد

نخستین اقدامی که ملتی برای داشتن کشوری مستقل باید انجام دهد، آن است که قصد خود را برای انجام این کار به طور رسمی اعلام کند؛ برای این منظور باید قوانین بین‌المللی را که در معاهده سال ۱۹۹۳ کنوانسیون «مونتیه ویدنو» اروگونه، اتخاذ و درباره حقوق و وظایف حکومت‌ها تنظیم شده بپذیرد.

برای پیروی از قوانین یک کشور باید:

- در قلمرویی که به طور آشکار مشخص شده، وجود داشته باشد.
- جمعیت دائمی داشته باشد. به این معنا که بتوان دربارهٔ موضوعات شهروندی و اقامت، مذاکره و گفت‌وگو کرد.
- سیستم حکومتی داشته باشد.
- بتواند با دیگر کشورهای مستقل رابطه ایجاد کند.

گام دوم: به‌رسمیت شناخته‌شدن

کشور جدید باید از سوی کشورهای دیگر بین‌المللی به رسمیت شناخته شود و این به‌رسمیت‌شناختن، تصمیمی است که کشورها براساس اختیار خود آن را اتخاذ می‌کنند. تایوان، فلسطین و کوزوو مثالی از «تمامیتی» هستند که به‌عنوان حکومت‌های مشروع از سوی برخی کشورها به رسمیت شناخته شده‌اند هرچند برخی کشورها هنوز آنها را به رسمیت نشناخته‌اند.



گام سوم: عضویت در سازمان ملل متحد

در آخر این حکومت‌ها می‌توانند در خواست عضویت به سازمان ملل متحد بدهند که برای ایجاد کشوری جدید و با امید به‌رسمیت شناخته‌شدن از سوی جامعه جهانی، گام بزرگی به شمار می‌رد. اکنون ۱۹۳ کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد حداقل پیوستن به این سازمان را داشته‌اند. در منشور سازمان ملل آمده است تمامی حکومت‌های صلح‌طلب که وظایف و تعهدات منشور را می‌پذیرند و براساس دآوری سازمان ملل متحد قادر به انجام این تعهدات هستند، می‌توانند عضو این نهاد شوند. اما یک کشور برای عضویت باید فرانیه‌های زیر را طی کند؛ یک نامه درخواست به همراه اعلامیه‌ای که از منشور سازمان ملل پیروی می‌کند، به دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کند. این درخواست در اختیار شورای امنیت قرار می‌گیرد که باید توسط حداقل ۹ عضو ا مجموع ۱۵ عضو شورای امنیت مورد تصویب قرار بگیرد. اگر هر کدام از پنج عضو دارای حق وتو شورای امنیت – چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده – به این کشور رای مخالف بدهند، این درخواست متوقف می‌شود. همچنین اگر این درخواست تأیید شود، توصیه ششورا برای ورود آن کشور به سازمان ملل متحد، به منظور بررسی، در صحن عمومی سازمان ملل متحد مطرح می‌شود. در این زمان، برای اعلام رسمی استقلال یک کشور باید یک سوم ۱۹۲ کشور موجود جمع عمومی سازمان ملل متحد به تأسیس آن رای مثبت بدهند. روبرت لینیئر، کارشناس «کنش‌ها و رفتارهای انتخاباتی و رفتاردوم» از دانشگاه ادینبورگ می‌گوید: برای کاتالونیا به رسمیت شناخته‌شدن به‌عنوان کشوری مستقل بدون حمایت اسپانیا مشکل خواهد بود. او اضافه می‌کند: غیرمتمثل است که متحدان مادرید در اتحادیه اروپا و جاهای دیگر از کاتالونیا پشتیبانی کنند؛ مگر آنکه اسپانیا دست به آنچه او «تهاجم به منطقه در پسراردانوم» می‌نامد – و بسیار غیرمتمثل است – بزند. او ادامه می‌دهد موضوع مهم در اینجا به‌رسمیت شناخته‌شدن از سوی کشورهای بزرگ است که در آن صورت همه چیز تغییر می‌کند؛ زیرا تشکیل یک کشور موضوعی سیاسی است و دراین‌باره حمایت حقوقی وجود ندارد. برای کاتالونیا، کشورشدن مانند ورود به یک باشگاه است و نکته مهم در اینجا آن است که دیگر اعضای باشگاه به‌ویژه دیگر کشورهای اروپایی، آن را به رسمیت نپذیرند. فرانسه، کاتالونیا‌ای مستقل را به رسمیت نمی‌شناسد؛ زیرا این کشور روابط دیپلماتیک خوبی با اسپانیا دارد. همچنین اکثر کشورهای از ایده توالی و این احتمال که سرزمین‌ها بتوانند از کشورها جدا شوند، خرسند نیستند. اما روبرت لینیئر دربارهٔ کردستان عراق می‌گوید وضعیت کردستان عراق با کاتالونیا متفاوت است و می‌زاد با آن آشنا نیستم. بغداد به دولتی ضعیف و شکست‌خورده نزدیک است و براساس اطلاعات من، کردستان عراق محلا و به طور بالفعل مستقل است و این اعلام استقلال پیروزی غیرمدرکاسی است که تصور می‌کنم همه چیز را تغییر می‌دهد. آیا همسایگان عراق که دارای جمعیت کرد هستند، با این اعلام استقلال یا رای‌گیری در سازمان ملل مخالفت نمی‌کنند؟ اکثر کشورها با این استقلال مخالفند، مگر اینکه رقیب بغداد باشند یا منافع خود را در این جدایی ببینند.

منبع: یورونیوز

یادداشت

آشفتگی خواب آرام آلمان

اینس پوهل، سردبیر دویچه وله:

«انتخاباتی که خواب آرام و آسوده سیاسی در آلمان را آشفته کرد. نیروهای یوپولیست و راست‌کرا به پارلمان آلمان راه یافته‌اند و صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل، متحمل شکستی سنگین شده است». این انتخابات پیامی روشن داشت: «نه» به روال جاری و تاکنونی. و این انتخابات آشفکارا دو بازنده داشت: حزب سوسیال دموکرات آلمان و آنگلا مرکل.آرای حزب سوسیال‌دموکرات ۵۰٫۲ درصد شد که این بدترین نتیجه انتخاباتی این حزب در کل تاریخ آن است و حزب دموکرات مسیحی، یعنی حزب صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل، نیز حدود هشت درصد از آرای خود را نسبت به انتخابات پیشین از دست داد. شکستی بزرگ که در شرایط عادی می‌توانست دلیلی برای کناره‌گیری مرکل باشد. اما آلمان در شرایط عادی به سر نمی‌برد. و دلیل این اوضاع غیرعادی از جمله به موفقیت حزب «آلترناتیو برای آلمان» برمی‌گردد. این حزب موفق شد با کسب ۱۲٫۶ درصد آرا به پارلمان آلمان، بوندس‌تاگ، راه یابد. از زمان تأسیس جمهوری فدرال آلمان، این نخستین باری است که یک حزب یوپولیست و راست‌گرا شماری از کرسی‌های پارلمان آلمان را از آن خود می‌کند. با این انتخابات چهره آلمان تغییر کرده است. نتایج این انتخابات، یک چالش است. در پایان این دموکراسی است که بر دشمنان خود غلبه می‌کند. در نگاهی فرایندی و در قیاس با دیگر کشورهای جهان، دلایل بسیاری برای این باور وجود دارد که آلمان از پس این آزمون و چالش با موفقیت برمی‌آید. و از آن گذشته، این ترکیب جدید پارلمانی یک ویژگی خوب هم دارد و آن اینکه، بحث بر سر یافتن بهترین استدلال در پارلمان آلمان مجددا داغ خواهد شد. و یک صدراعظم بسیار قدرتمند نمی‌تواند بر بستر فقدان یک اپوزیسیون در مجلس به سهولت حکومت کند.

مهم این است که احزاب دموکراتیک مراقب باشند به دام سخنوری‌های عوام‌فریبانه حزب آلترناتیو برای آلمان نیفتند و از گفتمان دموکراتیک فاصله نگیرند. آنها باید در برابر وسوسه‌های برخاسته از راه‌حل‌های دروغین یوپولیستی مقاومت کنند و به دنبال پاسخ‌های واقعی برای مشکلات موجود باشند. نخستین و بزرگ‌ترین چالش پیش‌رو، تشکیل دولت جدید است. اینکه حزب سوسیال دموکرات بی‌درنگ مواضع خود را دراین‌باره صراحت بخشید و اعلام کرد حاضر به مشارکت در دولت جدید نیست و به اپوزیسیون می‌پیوندد، تصمیمی منطقی است. این حزب تنها از این طریق می‌تواند هویت جدید خود را بیابد و دورنمای آینده خود را شکل دهد. و از این طریق، حزب سوسیال دموکرات می‌تواند مانع از آن شود که حزب آلترناتیو برای آلمان، رهبری احزاب اپوزیسیون در پارلمان را بگیرد. آنگلا مرکل می‌بایست در این شرایط غریب بماند و از چهره‌های مؤثر جهان غریب بماند و از این منظر، آلمان بتواند کماکان به‌مثابه یک کشور بانبات و یک شریک قابل اعتماد در صحن جهانی نقش خود را ایفا کند و آن‌هم به عنوان یک کشور باور و عمقا دموکراتیک.



نگاهی به وضعیت خاورمیانه بعد از استقلال

تغییر بزرگی در راه نیست

مسعود بارزانی، رهبر دولت اقلیم کردستان، برای افزایش محبوبیت داخلی و منحرف‌کردن اذهان از مشکلات اقتصادی و فساد ریشه‌دار در این منطقه، از نظر بغداد، واکنش تند حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، تلاشی بوده برای آرام‌کردن نیروهایی که خواهان برخوردی قاطع با کردها شده بودند. در هر صورت، هر دو رهبر در ماه‌های آتی بار دیگر باید خود را در معرض رای عمومی قرار دهند. سعد الحدینتی، سخنگوی حیدر العبادی، هفته گذشته اعلام کرد دولت عراق از اعمال تهدیداتش اجتناب کرده تا به کردها فرصت عقب‌نشینی از مواضع‌شان را بدهد. او همچنین تأکید کرد دولت عراق برای مجبورکردن کردها به واگذاری کنترل کردها و درآمدهای نفتی به دولت مرکزی برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده دارد اما جزئیاتی دراین‌باره ارائه نداد. علی العسلاق، یک قانون‌گذار بلندپایه عراقی و از معتمدان حیدر العبادی، نیز این را یک استراتژی بلندمدت می‌داند. از نظر او، عراق به‌تدریج صادرات و درآمدهای کردستان را قطع می‌کند و در پایان همین مسئله اقلیم را به تسلیم وامی‌دارد.

از سوی دیگر، کردها می‌گویند هیچ‌کام قصد نداشته‌اند که بلافاصله بعد از همه‌پرسی اعلام استقلال کنند. هوشیار زیاری، وزیر امور خارجه سابق عراق که از او به‌عنوان معمار همه‌پرسی استقلال کردستان نیز یاد می‌شود، دراین‌باره می‌گوید: «ما این همه‌پرسی را برگزار کردیم چون ایمنمان را از دست داده بودیم. ما از موضعی تدافعی برای یک کشور ازدست‌رفته می‌جنگیم». زیاری همچنین معتقد است شرایط و ملزومات کشورساز بسیار سخت‌تر از برگزاری همه‌پرسی بوده و یک‌شبه صورت نمی‌گیرد. درواقع کردها می‌خواستند از رای همه‌پرسی به‌عنوان اهرمی برای مذاکره با بغداد استفاده کنند؛ امری که تاکنون محقق نشده است. از دیگر سو، کردها متوسل‌شدن بغداد به زور را نیز جدی نمی‌گیرند. وهال علی، مدیر ارتباطات در دفتر بارزانی، بر این باور است بغداد به خاطر فقدان قدرت نظامی کافی به مداخله نظامی متوسل نخواهد شد. علاوه بر این عراقی‌ها همچنان درگیر نبرد علیه داعش‌اند که هنوز مناطقی از عراق را تحت سیطره دارد و عراق برای بازپس‌گیری این مناطق به همکاری نیروهای نظامی کردها متکی است. یوست هیلترمن، کارشناس خاورمیانه در گروه بین‌المللی بحران، بر این باور است هیچ‌کدام از طرفین خواهان گزینه نظامی نیستند. در پشت‌صحنه، دیپلمات‌های غربی نیز می‌کوشند تا دو طرف را آرام کرده و برای جنگ علیه داعش متحد نگه‌شان دارند.

دو هفته بعد از برگزاری همه‌پرسی نيز کردها هنوز گام مشخصی برای اعلام جدایی و استقلال برنداشته‌اند. در نقطه مقابل نیز نه بغداد و نه همسایگان، هیچ‌کدام از تهدیدهایشان را جامه عمل نبوشانده‌اند. به نظر می‌رسد هرچند داشتن کشوری از آن خود، رؤیایی دیرینه برای کردهاست، اما نه کردها و نه بغداد هیچ‌کدام نمی‌خواهند از این لحظه تاریخی و حساس، یک بحران و فاجعه بسازند

بااین‌حال پیام هفته گذشته آیت‌الله سیستانی را می‌توان ترکی در دیوار دانست. آیت‌الله سیستانی به‌تندی از ایده تشکیل یک کشور کردی مستقل انتقاد کرده اما هرزمان از بغداد خواست تا برای احترام به حقوق کردها با آنها وارد گفت‌وگو شود. با این اوصاف، العبادی مجوز سیاسی و اعتقادی برای مذاکره با اقلیم را به دست آورده اما هم‌زمان می‌داند جدایی اقلیم کردستان خط قرمزی است که بغداد نمی‌تواند از آن عبور کند. البته جدایی و استقلال کردستان می‌تواند تبعات دیگری را نیز برای عراق به دنبال داشته باشد. از زمان سقوط صدام حسین، سنی‌های عراق نگران این بوده‌اند که تحت سلطه شیعیان قرار بگیرند. این ترس‌ها در زمان نخست‌وزیری نور المالکی قوت گرفت؛ ترسعی که نتیجه‌اش پیوستن بسیاری از رهبران سنی به داعش بود. بنابراین استقلال کردستان به‌شکل چشمگیری توازن جمعیت را به نفع شیعیان برهم زده و هرگونه آشتی با سنی‌ها را عملا غیرممکن می‌کند.

ترکیه: از دوست به دشمن

در میان کشورهای منطقه، ترکیه بزرگ‌ترین تهدید علیه اقتصاد متزلزل کردستان می‌شود؛ این کشور قابلیت بستن لوله انتقال نفتی را دارد که از خاک ترکیه می‌گذرد و درواقع حکم تنها منبع بزرگ درآمدی برای دولت اقلیم کردستان را دارد. کردستان عراق از همان دهه ۱۹۹۰ به کمک کشوری همچون ترکیه برای مدیریت مسائل کردهای این کشور و همچنین مقابله با حزب کارگران کردستان (PKK) آمده است. هم حزب اتحادیه میهنی و هم حزب دموکرات در کنار ترکیه با «پ‌ک» جنگیده‌اند؛ جزئی که نگرش مارکسیستی‌اش کاملا در تضاد با اصول ملی‌گرایانه و پیش لبیرایی و سوسیال‌دموکرات این دو حزب کردی قرار می‌گیرد. همکاری سیاسی امروز آنکارا و اربیل مداوم و ادامه همان پیوندها و همکاری‌های قدیمی است. از سال ۲۰۰۳ میلادی به این‌سو، ترکه آرام‌آرام به سمت پذیرش اجتناب‌ناپذیری‌بودن تشکیل یک کشور کردی حرکت کرده است البته کشوری همسو با ترکیه که بتواند به منبعی حیاتی برای تأمین نفت و گاز آنکارا بدل شود. آنکارا به‌نظر به همین لحن هشداردهنده اکتفا خواهد کرد و البته این لحن خصمانه بیشتر کاربردی داخلی دارد تا اینکه بخواهد عملا اقلیم کردستان را هدف قرار دهد.



هادی آذری: برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان و رای ۹۲ درصدی به آن شاید سرانجام رؤیای کردها برای داشتن کشوری از آن خود را سرانجام به واقعیت پیوند بزند؛ رؤیایی که کردها برای آن از سختی‌های بسیاری گذشته‌اند و هنوز نیز به‌نظر با موانع سرزمینی و منطقه‌ای بسیاری مواجهند. از یک سو، کردها را می‌توان بنا بر آنچه بر آنها گذشته، برای خواست تشکیل یک کشور مستقل محق دانست. در مقابل، تشکیل یک کشور کردی مستقل می‌تواند با تحریک جمعیت کردی کشورهای هم‌جوار، به یک بحران و تهدید منطقه‌ای جدید بدل شود؛ آن هم منطقه‌ای که هنوز هم از زیر توحش ویرانگر داعش قد راست نکرده است. از همان اولین باری که بحث همه‌پرسی جدی شد، کشورهای هم‌جوار نسبت به عواقب برگزاری این همه‌پرسی هشدار داده و از احتمال وقوع یک جنگ و نزاع منطقه‌ای جدید خبر دادند. بیشتر کشورهای غربی نیز با اینکه چندان تمایلی به برهم‌زدن مرزها در خاورمیانه در شرایط کنونی ندارند، اما موضع شخصی در قبال آن نگرفتند. درحالی‌که کشورهای منطقه از قبیل عراق، ترکیه، سوریه و ایران با ماهیت تشکیل یک کشور مستقل کردی مخالفند، ایالات متحده تنها نسبت به زمان برگزاری این همه‌پرسی اظهار نگرانی می‌کرد. چه خوش‌مان بیاید، چه نباید، خاورمیانه بعد از رای قاطع کردها به استقلال کردستان وارد مرحله تازه‌ای شده است که می‌تواند پیامدهایی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای خود عراق و خاورمیانه به دنبال داشته باشد؛ پیامدی که در بدترین سناریوی ممکن می‌تواند حتی به جنگ نیز بینجامد.

استقلال کردستان: یک چشم‌انداز تاریخی

دو حزب اتحادیه میهنی کردستان (PUK) و حزب دموکرات کردستان (KDP)، به لطف منطقه پرواز ممنوع که در سال ۱۹۹۱ و از سوی کشورهای غربی در شمال عراق اعمال شد، توانستند منطقه خودمختار کردستان را شکل دهد و در ادامه نیز با نظام سیاسی خودشان و شکل‌گیری نهادها، آن را تکمیل کنند. با وجود شرایط ژئوپلیتیک نامساعد دهه ۹۰ که در آن کردستان در محاصره همسایگان قدرتمند قرار داشت، انتخابات ۱۹۹۲ کردستان عملا شکلی از حق حاکمیت را برای کردها به ارغمان آورد. با وجود این انتخابات سرنوشت‌ساز و تداوم منطقه پرواز ممنوع، حاکمیت و دولت‌داری برای کردها بدون چالش هم نبود. در ادامه تلاش‌هایی از سوی ترکیه، سوریه و حزب بعث برای ایجاد بی‌ثباتی در این منطقه از طریق تفرقه‌اندازی میان احزاب و حمایت از احزاب رقیب آغاز شد تا جایی که این دو حزب اصلی کردی را روردری هم قرار داد. از دل همین تعارض بود که حزب سومی به نام «کوران» یا «تغییر» سربرآورد. با وجود تنش‌های داخلی در کردستان، خواست استقلال بار دیگر تمامی این احزاب سیاسی را دوشادوش هم قرار داد. درواقع تاریخ سرکوب کردها در عراق ازجمله نسل‌کشی آنها به دست رژیم بعث در کنار مناقشات اخیر با دولت مرکزی می‌تواند دلیل کافی به آنها برای تشکیل یک کشور مستقل بدهد. از دیگر سو، در دو دهه گذشته، اقلیم کردستان توانسته به منطقه‌ای امن، نسبتا پائبات و هم‌ساز با کشورهای منطقه بدل شود که مزید بر علت شده است تا کردها را بیشتر به سوی تشکیل یک کشور مستقل سوق دهد.

تبعات داخلی حدیث جدایی

فارغ از اینکه کردها را برای تشکیل یک کشور مستقل محق بدانیم یا نه، بسیاری در جهان فکر می‌کردند بعد از همه‌پرسی استقلال کردستان با جنگ دیگری در عراق درخواهد گرفت یا اینکه اقلیم با چالش‌های اقتصادی و امنیتی بیشتر مواجه می‌شود. برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، کردها بعد از برگزاری موفقیت‌آمیز همه‌پرسی، به خیابان‌ها آمدند، غریو شادی سر دادند و پرچم‌هایشان را با شادمانی به اهتزاز درآوردند. همچنین ترس از اینکه همه‌پرسی باعث هجوم مردم به بانک‌ها برای بازپس‌گرفتن سپرده‌هایشان شود، از آنجا که کردستان هیچ بانک مرکزی از آن خود ندارد و بخشی از نظام بانکی و واریز عراق به نظر می‌سد هرچند داشتن کشوری از آن خود، رؤیایی دیرینه برای کردهاست، اما نه کردها و نه بغداد هیچ‌کدام نمی‌خواهند از این لحظه تاریخی و حساس، یک بحران و فاجعه بسازند.

در مسیر عادی‌سازی

بعد از فروکش‌کردن حساسیت‌های اولیه، منع پروازهای بین‌المللی به اربیل نیز اندکی تعدیل شد. هفته گذشته مقامات عراق اعلام کردند پروازهای هواپی بین‌المللی از کردستان در صورتی که از بغداد صورت گیرند، بلامانع است. بااین‌حال، هنوز مخاطرات جدی به قوت خود باقی است و شاید به همین خاطر است که هر دو طرف و به خاطر ملاحظات سیاسی داخلی محتاطانه عمل می‌کنند. از نظر برخی منتقدان، زمان‌بندی همه‌پرسی تلاشی بوده از سوی